

تبیین و تحلیل ادبیات قرآن کریم در برخورد با زنان با رویکرد به آیات النساء

رضا قاسمی نژاد^۱

محمد مرادی^۲

احمد کریمی^۳

چکیده

یکی از موضوعات مهم در نظام اسلامی و حوزه‌ی مسائل فردی و اجتماعی، توجه به مسئله‌ی زنان می‌باشد که با عنایت به اهمیت موضوع، به وفور مورد انتقاد و سؤال واقع شده و به دلیل برداشت‌های ناقص و سطحی، از برخی آموزه‌های دینی، این مسئله به عنوان زمینه‌ی هجمه قرار گرفتن قرآن توسط افراد مغرض و بی اطلاع، مبدل گشته است. این تحقیق در صدد پاسخ به این پرسش‌ها بر آمده است که آیا گزاره‌ها و مفاهیم قرآنی نسبت به زنان، از نوع سلبی و منفی است و آنها را مورد مذمت، خشونت، تنبیه و تهدید قرار داده است؟ آیا نوع ادبیات قرآن به زنان، نگاه نابرابری و جنسیتی است؟ رویکرد ادبیات قرآن جایگاه زنان چگونه است؟ در این تحقیق، به روش توصیفی، تحلیلی براساس داده‌های کمی و کیفی و با رجوع به منابع اصیل و با تبیین مفاهیم و گزاره‌های قرآنی نشان خواهد داد، قرآن کریم برای زن، جایگاهی همسان و همشأن مرد در ابعاد گوناگون اقتصادی، سیاسی، علمی، فرهنگی و هنری قائل بوده و در صدد تحکیم موقعیت و شخصیت انسانی او بوده و ضمن حفظ مقام و شخصیت زن و عدم تفاوت جنسیتی و براساس مقتضای جسمی، فیزیولوژیکی و

^۱ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن R.samen1983@gmail.com

و حدیث، دانشکده قرآن، گروه قرآن و حدیث، ایران، قم

^۲ Moradi.m@ghu.ac.ir، استادیار قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث، دانشکده قرآن،

گروه قرآن و حدیث، ایران، قم

^۳ Karimi.ah@ghu.ac.ir، دانشیار کلام اسلامی، دانشگاه قرآن و حدیث، دانشکده قرآن، گروه

قرآن و حدیث، ایران، قم

روحی و روانی زنان، دستوراتی را بیان فرموده که غالب گزاره‌ها و مفاهیم بصورت مثبت و نشان دهنده‌ی برخورد توأم با رحمت و رافت، نسبت به زنان است و در مواردی که ممکن است زنان، دچار لغزش شوند؛ جهت پیشگیری و اصلاح آنان ادبیاتی عقلانی، منطقی و روان شناسانه، متناسب با آن را اتخاذ شده است.

کلید واژه‌ها: تحلیل، ادبیات قرآن، آیات النساء، جایگاه زنان در قرآن.

۱. مقدمه

خداوند متعال، انسان‌ها را در قالب مردان و زنان، به نیکوترین شکل آفریده و به هریک، جایگاه خاص به خود را، اعطا نموده است، چنان که جایگاه هر موجود در جهان هستی، تابع اصل عدل و حکمت الهی است.

جایگاه موجودات دیگر، به عنوان آفریده‌ی خدای متعال است. به لحاظ جایگاه خاصی که زن در این جهان دارد، می‌توان گفت او به مقتضای خلقت خویش از جایگاه ممتازی نیز برخوردار است که مرد، قابلیت جانشینی آن را ندارد. جایگاهی که اگر آن را به عنوان یک امر الهی و عقلی، به انجام رساند؛ به کمال انسانی خویش خواهد رسید.

از نگاه جامعه‌شناسی، بروز رفتار مثبت و برخورد مسالمت آمیز از نیازهای اولیه و اساسی در هر جامعه و نهاد انسانی محسوب می‌گردد. به تبع در جامعه اسلامی نیز این موضوع بر اساس اصول خاصی و مطابق بر قواعد تشریحی اسلام، مد نظر خواهد بود؛ از جمله مصادیق برخورد و ارتباط دو جانبه در جامعه، برخورد مردان با زنان در حوزه‌ی نهاد اجتماعی خانواده می‌باشد که تحت عناوین زن و شوهر و یا پدر(ولی) و فرزند(دختر) تعریف می‌گردد که در منظومه‌ی فقهی و اخلاقی اسلام، این ارتباط و برخورد، از طریق نظام تشریحی و وضع آیات و روایات متعددی، مدیریت گردیده است. با این وجود، مسئله مهمی که امروزه شاهد آن هستیم و از دو بعد، می‌توان به عنوان دغدغه‌ی پژوهشی مد نظر قرار داد؛ مسئله‌ی افزایش طلاق و فرار دختران از محیط خانواده به علت اعمال خشونت نسبت به ایشان می‌باشد که در غالب موارد، این موضوع با اندیشه‌ی سنتی و با تحلیل اشتباه از واژه «واضربوهن» همراه می‌بوده و در نهایت به علت عدم دقت و تدبر در آیات قرآن کریم، به نحوی قضاوت می‌گردد که ادبیات قرآن، در نحوه‌ی برخورد با زنان، تحکم آمیز، همراه با لحنی سخت و توأم با خشونت می‌باشد؛ لذا در پی یافتن پاسخی در جهت رفع این شبهه، لازم است ضمن تبیین آیات النساء و با بررسی

تفسیری آیات مربوطه، به این پرسش‌ها پاسخ دهیم: آیا گزاره‌ها و مفاهیم قرآنی نسبت به زنان، از نوع سلبی و منفی است و آن‌ها را مورد مذمت، خشونت و تنبیه و تهدید قرار داده یا خیر؟ آیا نوع ادبیات قرآن به زنان، نگاه نابرابری و جنسیتی است؟ آیا حاصل ادبیات قرآن به زنان، تنزل جایگاه آن‌هاست یا خیر؟ آیا ادبیات قرآن کریم در حوزه‌ی مورد بحث با معیارهای آن چه در جامعه‌شناسی، نه به خشونت علیه زنان خوانده می‌شود سازگاری دارد؟

این مقاله به روش توصیفی تحلیلی اسنادی و نظری انجام شده است، ابتدا در یک بررسی کلی، کمیت آیات قرآن کریم که در ارتباط با زنان نازل شده مورد بررسی قرار گرفته است، سپس از طریق تبیین واژگان کلیدی و واژه‌شناسی کلمات، تحلیل مفاهیم صریح و هم‌نشین منفی مد نظر قرار گرفته و با تشکیل شبکه مفاهیم مرتبط در آیات و همچنین تفاسیر صاحب نظران، حدود و شرایط معانی حاصله، تبیین گردیده است.

بررسی سابقه پژوهشی موضوع، حاکی از تحقیقات صورت گرفته‌ای است که در دوران معاصر صورت گرفته است: ضمن تأکید بر کتب ارزشمند نگارش شده توسط اساتید صاحب قلم، نظیر «زن در آیین‌های جلال و جمال» توسط آیت الله جوادی آملی (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ص ۵۷) و نیز «نظام حقوق زن در اسلام» نوشته‌ی شهید مرتضی مطهری (مطهری، ۱۳۹۶: ص ۸۰) که مسئله‌ی مورد نظر در این پژوهش را در کنار سایر مسائل در حوزه‌ی بانوان، مد نظر قرار داده‌اند؛ رئیس‌الساداتی در مقاله‌ای تحت عنوان خشونت نسبت به زنان از منظر تفاسیر قرآنی، تبیین می‌نماید: گفتمان آیه ۳۴ نساء، متفاوت از گفتمانی است که در انتقادات، از آن استفاده شده است؛ واژه‌ی «اضربوه» نه به عنوان یک امر ارشادی، در پی تنظیم زندگی خانوادگی محدودش شده بر اثر فقدان رعایت حدود خانواده است و در فرآیندی تریبی، بعد از دو مرحله‌ی «فعضوهن» و «واهجروهن فی المضاجع» و فقدان پاسخگویی آن‌ها و در شرایط بسیار محدود و مشخص اجرایی است؛ تعبیر مبارک «فلا تبغوا علیه سبیلا» و روایات مفسر واژه‌ی «واضربوهن»، از مخالفت قرآن با خشونت علیه زنان حکایت می‌کند. (رئیس‌الساداتی، ۱۳۹۲: ص ۱۲۰-۱۵۵) گلایری در تحقیقی تحت عنوان «اسلام و مسئله‌ی ضرب زن» بدین نحو تبیین می‌نماید که با توجه به آیه ۳۴ سوره‌ی نساء و سخنان مفسران، پیرامون این آیه و همچنین با توجه به روایاتی که در این باره وارد شده است؛ نتیجه‌گیری می‌شود، اگر زنی نسبت به شوهر، نافرمانی کرد؛ مرد، برای آن که بتواند او را به حالت اولیه

برگرداند، ابتدا باید او را نصیحت کند، اگر نصیحت را نپذیرفت؛ از او دوری گزیند و در مرحله‌ی سوم، اگر پند و دوری، مفید نبود، شوهر، اجازه دارد زن را بزند. البته زدن نباید سخت و طاقت فرسا باشد و موجب ضرری به زن شود؛ هم‌چنین باید به قصد تادیب و اصلاح باشد نه به قصد تشفی (دل خنک کردن) و انتقام (گلایری، ۱۳۸۸، ص ۸۰)

مصطفوی فرد در تحقیق خود با عنوان بازخوانی مفهوم نشوز زن و مرد در قرآن (واژه شناسی را در اولویت قرار داده و تبیین می نماید که واژه‌ی نشوز در قرآن، به معنای جمع شدن با شدت الصاق و چسبیدگی) است و در روابط زوجین از آن به «رغبتی افسارگسیخته به جماع» تفسیر می شود. این برخلاف گفتار مفسران است که نشوز را به معنای ارتفاع و بلندی دانسته و در روابط زوجین، آن را برتری طلبی ایشان به یکدیگر، تعبیر کرده‌اند. البته برخی از معاصران نیز، این دیدگاه مشهور را نپذیرفته‌اند و با استناد به کاربرد قرآنی این واژه و خطبه پیامبر (ص) در حجة الوداع، نشوز زن و مرد را «الرغبة الجماعه فی الجماع» تفسیر کرده اند که دیدگاه مختار نگارنده، همین است. (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۸۰).

برجستگی و نوآوری پژوهش در این است که با یک روش جامع و دقیق و استقراء تام، ابتدا تمام گزاره‌ها و مفاهیم مربوط به حوزه‌ی زنان در قرآن کریم، جمع آوری و در مرحله‌ی بعد، به تبیین واژه‌ها و معناشناسی کلمات کلیدی پرداخته شده، در نهایت با تعیین و مقایسه‌ی گزاره‌های سلبی و ایجابی و مفاهیم مثبت و منفی و خنثی، سعی شده با تفسیر دقیق مفاهیم و گزاره‌های قرآنی براساس آیات دیگر و نیز روایات و دیدگاه‌های مشهور، مفهوم درستی از نوع ادبیات قرآن کریم به مسئله‌ی زنان که نگاهی کاملاً عقلانی و بر اساس حکمت، عدالت و مقتضیات زنان و در جهت رشد و تعالی آنان است را ارائه دهد.

۲. ادبیات نظری پژوهش:

با بررسی کمی آیات قرآن کریم در حوزه خاص ادبیات لسانی شارع مقدس با زنان، از مجموعه ۳۹ سوره تعداد ۱۲۳ آیه راجع به زنان بحث می‌کنند (بقره: ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۶، ۲۴۰، ۲۴۳، ۴۹، ۲۲۱، ۲۲۸، ۱۰۲، ۱۷۸، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳، ۱۴۰۴، ۱۴۰۵، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۲، ۱۴۱۳، ۱۴۱۴، ۱۴۱۵، ۱۴۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۱۹، ۱۴۲۰، ۱۴۲۱، ۱۴۲۲، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۲۵، ۱۴۲۶، ۱۴۲۷، ۱۴۲۸، ۱۴۲۹، ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۳۲، ۱۴۳۳، ۱۴۳۴، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶، ۱۴۳۷، ۱۴۳۸، ۱۴۳۹، ۱۴۴۰، ۱۴۴۱، ۱۴۴۲، ۱۴۴۳، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶، ۱۴۴۷، ۱۴۴۸، ۱۴۴۹، ۱۴۵۰، ۱۴۵۱، ۱۴۵۲، ۱۴۵۳، ۱۴۵۴، ۱۴۵۵، ۱۴۵۶، ۱۴۵۷، ۱۴۵۸، ۱۴۵۹، ۱۴۶۰، ۱۴۶۱، ۱۴۶۲، ۱۴۶۳، ۱۴۶۴، ۱۴۶۵، ۱۴۶۶، ۱۴۶۷، ۱۴۶۸، ۱۴۶۹، ۱۴۷۰، ۱۴۷۱، ۱۴۷۲، ۱۴۷۳، ۱۴۷۴، ۱۴۷۵، ۱۴۷۶، ۱۴۷۷، ۱۴۷۸، ۱۴۷۹، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱، ۱۴۸۲، ۱۴۸۳، ۱۴۸۴، ۱۴۸۵، ۱۴۸۶، ۱۴۸۷، ۱۴۸۸، ۱۴۸۹

(۱۸)، (يوسف: ۳۰، ۳۱، ۲۸، ۵۱، ۵۲)، (مائده: ۳۸، ۵)، (مومنون: ۵، ۷، ۶)، (طلاق: ۱، ۷، ۶)، (توبه: ۷۱، ۴۹، ۶۸، ۷۲)، (محمد: ۱۹)، (فتح: ۵، ۲۵، ۶)، (حديد: ۱۲)، (نوح: ۲۸)، (نحل: ۹۷، ۷۲)، (روم: ۲۱)، (شورى: ۱۱)، (نجم: ۴۵ و ۴۶)، (حجرات: ۱۳)، (فرقان: ۷۴)، (زمر: ۶)، (فلق: ۱ و ۴)، (تغابن: ۱۴)، (مجادله: ۱ و ۲)، (نمل: ۵۵، ۳۲، ۳۳، ۲۳)، (قيامت: ۳۹)، (قصص: ۲۳، ۲۵، ۴)، (بروج: ۱۰)، (غافر: ۴۰)، (ممتحنه: ۱۰ و ۱۲)، (فاطر: ۱۱)، (تحریم: ۱۱، ۱۲، ۱۰، ۵)، (صاد: ۴۴، ۵۲)، (صافات: ۴۸)، (رحمن: ۵۶).
از مجموع اين آیات، تعداد ۶۹ گزاره خبری، ۹ مورد دارای ارزش گذاری منفی و ۳ مورد دختی هستند و صرف گزارش از زنان است بدون توجه به جنبه سلبی يا ايجابی آن.

و ۵۷ مورد باقی مانده به صورت ارزش گذاری مثبت می باشند. از مجموع اين آیات تعداد ۳۳ گزاره‌هایی که به صورت امر هستند یک مورد ارزش گذاری منفی و سه مورد دختی می باشد. از مجموع آیات تعداد ۱۱ گزاره ای منهيه، ۱ مورد ارزش گذاری منفی و مابقی یعنی ۱۰ گزاره مثبت می باشند. از مجموع ۳۱ مفهوم صريح سه مورد ارزش گذاری منفی (ضرب، زانیه، الخبيثات) و مابقی مثبت هستند. از مجموع ۳۰ مفهوم همشدين ۶ مورد ارزش گذاری منفی (مسافحات، فاحشه، متخذهان اخدان، فامتوحن، خاتناهمًا، المناقات) و مابقی مثبت هستند.

۱،۲. گزاره های خبری و ارزش گذاری آنها

| ارزش گذاری | گزاره های خبری |
|--|--|
| رفتار معروف با رعایت حقوق شایسته زنان در رجوع در طلاق (مثبت) | لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلِيَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ |
| حکم طلاق رجوعی و برخورد معروف و احسان با همسر (مثبت) | الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَاِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ اَوْ تَسْرِيحٌ بِاِحْسَانٍ |
| شیردادن دو ساله به کودک وظيفه مادر (مثبت و منفی) | وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ اَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ اَرَادَ اَنْ يُنِيْمَ الرَّضَاعَةَ |
| تامین خوراک و پوشاک مادر شیردهنده به طور شایسته (مثبت) | وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكَسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ |

| | |
|---|---|
| <p>هزینه کودک و مادر برعهده وارث در صورت فوت پدر بچه (مثبت)</p> | <p>وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ</p> |
| <p>حکم ازدواج مجدد بعد از پایان عده طلاق (مثبت)</p> | <p>فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ</p> |
| <p>کم کردن مدت شیر با توافق طرفین بلامانع است (مثبت)</p> | <p>فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمْ</p> |
| <p>(خنثی)</p> | <p>فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ</p> |
| <p>حلیت رابطه زناشویی در شب های ماه رمضان (خنثی)</p> | <p>حِلُّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثِ إِلَى نِسَائِكُمْ</p> |
| <p>سبب تولید نسل (مثبت)</p> | <p>نسائکم حرث لکم</p> |
| <p>تساوی زنان و مردان مؤمن، در حقوق انسانی و حق حیات (مثبت)</p> | <p>وَمَا لَكُمْ لَا تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ</p> |
| <p>ذکر گذشته بنی اسرائیل و رفتار ناشایست فرعون با زنان (مثبت)</p> | <p>وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنَ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكَ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ</p> |
| <p>قوامیت زن به مرد است (قابل بحث: مثبت)</p> | <p>الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ</p> |
| <p>امیدواری زنان مستضعف مکه به</p> | <p>إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ</p> |

| | |
|---|---|
| <p>مغفرت الهی (مثبت)</p> | <p>الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوُلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَغْفُوَ عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا</p> |
| <p>حمایت از حقوق زنان که حقوقشان پرداخت نشده است (مثبت)</p> | <p>وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتَامَى النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوُلْدَانِ وَأَنْ تَقُومُوا لِلْيَتَامَى بِالْقِسْطِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا</p> |
| <p>اختیار رهایی زن از دست مرد در صورت بدرفتاری و ناسازگاری (مثبت)</p> | <p>وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُورًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُخْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تَحْسَبُوا وَسْتَقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا</p> |
| <p>نفی رابطه نامشروع زنان و مردان (منفی مشترک)</p> | <p>الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهُمَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحَرَّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ</p> |

| | |
|--|--|
| <p>رعایت تناسب زنان و مردان پاکدامن و پلید (مثبت)</p> | <p>الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبْرَأُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ</p> |
| <p>دستور به حفظ پوشش برای مصون ماندن از اذیت و آزار (مثبت)</p> | <p>يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا</p> |
| <p>نفی اذیت و آزار مادی و معنوی زنان مومن (مثبت)</p> | <p>وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اِكْتَسَبُوا فَقَدْ اِخْتَلَمُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا</p> |
| <p>تعریف و تمجید از زنان با اوصاف ویژه و اجر و مغفرت الهی (مثبت)</p> | <p>إِنَّ... وَالْمُسْتَلِمَاتِ و...وَالْمُؤْمِنَاتِ وَ... وَالْقَانِتَاتِ وَ...وَالصَّادِقَاتِ وَ...وَالصَّابِرَاتِ وَ...وَالْخَاشِعَاتِ وَ...وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَ... وَالصَّائِمَاتِ وَ...وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا...</p> |
| <p>حکم اختصاصی ازدواج پیامبر با برخی از زنان (خنثی)</p> | <p>يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَخْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ</p> |

| | |
|---|---|
| | <p>يَمِينِكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتٍ عَمَّكَ وَبَنَاتٍ عَمَّاتِكَ وَبَنَاتٍ خَالَكِ وَبَنَاتٍ خَالَاتِكَ اللَّاتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَأَمْرًا مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبْتَ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ</p> |
| <p>اجر زنان نیکوکار (مثبت)</p> | <p>وَإِنْ كُنْتُمْ تَرُدُّنَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالذَّارِ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُمْ أَجْرًا عَظِيمًا</p> |
| <p>توبیح زنان منافق و مشرک و بخشش زنان مومن (منفی و مثبت)</p> | <p>لِيُعَذِّبَ اللَّهُ.. وَالْمُنَافِقَاتِ و.. وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى.. وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا</p> |
| <p>پاداش آسمانی زنان مثل مریم (مثبت)</p> | <p>كَلَّمَ دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنْ اللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ</p> |
| <p>بیان کید زنان (منفی)</p> | <p>فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ قَدْ مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ</p> |
| <p>زن زینت دنیا و مردم (مثبت)</p> | <p>زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ</p> |

| | مِنَ النِّسَاءِ |
|--|--|
| پاداش یکسان زن ومرد (مثبت) | لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى |
| عبادات فردی واجتماعی زن (مثبت) | يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَأَسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ |
| نافرجامی توطئه زنان خیانتکار، علیه یوسف (علیه السلام) (منفی) | قَالَ مَا خَطْبُكَ إِذْ رَأَوْتُنَّ يُوسُفَ عَنْ نَفْسِهِ قُلْنَ خَاشَ اللَّهُ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوءٍ قَالَتِ امْرَأَةُ الْعَزِيزِ الْآنَ خَصَصَ الْحَقُّ أَنَا رَأُوذْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ |
| تفاوت مسئولیت زن ومرد در مسائل شرعی (منفی) | فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أَعِيدُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ |
| زن موجب آرامش مرد (مثبت) | هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا |
| توجه به نقش زن در رفع نیاز جنسی (مثبت) | إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ |
| ایجاد رابطه دوستانه با زنان همسر دار، امری ناپسند (مثبت) | قَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَةٌ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا |

| | |
|--|--|
| | <p>إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ</p> |
| <p>دادن نفقه به زنان در زمان عده و شردادن بچه و غیره (مثبت)</p> | <p>لَيُنْفِقُ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا</p> |
| <p>زن، برخوردار از حق مشارکت در مسائل سیاسی، اجتماعی و دینی (مثبت)</p> | <p>وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبِيغُكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْنَهُنَّ وَأَسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ</p> |
| <p>تساوی زن و مرد منافق در کیفر آخرتی (منفی)</p> | <p>وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا</p> |

| | |
|---|---|
| <p>تساوی زن و مرد مؤمن در پاداش اخروی (مثبت)</p> | <p>وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا</p> |
| <p>تساوی زنان و مردان، در بهره مندی از دعا و استغفار پیامبر (صلی الله علیه وآله) (مثبت)</p> | <p>فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَسْتَغْفِرُ لِدُنْيِكَ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ</p> |
| <p>زن مؤمن، دارای احترامی همسان با مرد مؤمن، در دنیا و آخرت (مثبت)</p> | <p>وَلَوْلَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ وَبَسَاءٌ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَّوَّهُمْ فَتَصِيبِكُمْ مِنْهُمْ مَعْرَةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ لِيُدْخِلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ</p> |
| <p>تساوی مردان و زنان مؤمن، در برخورداری از ثواب الهی (مثبت)</p> | <p>يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمْ أَلَيْسَ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ</p> |
| <p>زن مؤمن، دارای شخصیت و احترامی همسان با مرد مؤمن (مثبت)</p> | <p>رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا</p> |
| <p>تساوی زن و مرد، در برخورداری از حیات طیبه، در صورت داشتن عمل صالح (مثبت)</p> | <p>مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً</p> |

| | |
|--|--|
| <p>زن، دارای نقش مساوی با مرد، در گسترش نسل انسان (مثبت)</p> | <p>وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَخَفَدَةً</p> |
| <p>زن و مرد، دارای نفس و حقیقت واحد انسانی (مثبت)</p> | <p>فَاطِرُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا</p> |
| <p>همگونی زن با مرد، در اصل خلقت (مثبت)</p> | <p>وَأَنَّهُ خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنثَى خَلَقْنَاكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلْنَا مِنْهَا رِجَالًا</p> |
| <p>زنان شایسته، موجب روشنی شوهر خویش (مثبت)</p> | <p>وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ</p> |
| <p>زن دشمن انسان (منفی)</p> | <p>يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ</p> |
| <p>هشدار درباره زنان جادوگر وساحره (منفی)</p> | <p>وَمِنَ الشَّرِّ الْفَأْتَاتِ فِي الْعُقَدِ</p> |
| <p>فرمانروایی و حکومت زن بر قوم سبأ (خنثی)</p> | <p>إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ</p> |
| <p>اشتغال به کار زنان (مثبت)</p> | <p>وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِنَ النَّاسِ يَسْتَقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا</p> |

| | |
|--|--|
| | <p>خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرَّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ</p> |
| <p>رعایت حیا از طرف زنان (مثبت)</p> | <p>فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِخْيَاءٍ</p> |
| <p>نفی شکنجه زنان مومن و در صورت ارتکاب و عدم توبه مجازات سنگین برای شکنجه گران (مثبت)</p> | <p>إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابٌ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ</p> |
| <p>آسیه، همسر فرعون، اسوه پسندیده مؤمنان، در استحکام ایمان و مقاومت (مثبت)</p> | <p>وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةً فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَبَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَبَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ</p> |
| <p>مریم (علیها السلام) اسوه پسندیده مؤمنان، در عفت و پاکدامنی و ایمان صادقانه به خداوند (مثبت)</p> | <p>وَمَرْيَمَ ابْنَتْ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَيْنَا فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ وَكَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ</p> |
| <p>زن لوط، ونوح اسوه ای ناپسند در خیانت (جاسوسی) به شوهر و عبرت برای کافران (منفی)</p> | <p>ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَةً نُوحٍ وَامْرَأَةً لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يَغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ</p> |
| <p>چشم پاکی از کمالات زن (مثبت)</p> | <p>فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِئِنَّ أَنْسُ قَبْلَهُمْ وَلَا</p> |

| | |
|--|--|
| | جَانٌ |
| دستور خداوند به ایوب(علیه السلام) در مورد کیفیت تنبیه همسر خویش و نشکستن سوگند خود(مثبت) | وَحَذُّ بِيَدِكَ ضِعْفًا فَاصْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنُتْ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ |
| عدم منافات پیامبری با داشتن زن(مثبت) | وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً |

۲،۲. گزاره‌های امریه و ارزش گذاری آنها

| ارزش گذاری | گزاره های امریه |
|--|---|
| رعایت عده طلاق(مثبت) | وَالْمُطَلَّقاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ |
| رعایت حق زنان در سوگند بر عذم رابطه زناشویی(مثبت) | لَّذِينَ يُؤْلُونَ مِن نِّسَائِهِمْ تَرَبَّصْ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ |
| نگه داشتن با شایستگی ورها کردن به نیکی در طلاق(مثبت) | فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرَحوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ |
| حکم عده وفات(مثبت) یا منفی | وَالَّذِينَ يَتُوفَوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا |
| حکم قصاص زن در برابر زن(مثبت) | يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرِّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَى بِالْأُنثَى |
| قابل بحث(مثبت)حکم زنانی که ترس از نشوز آنها می رود | الَّتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ |

| | |
|--|---|
| | <p>سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا</p> |
| <p>حکم حرمت مادر زن و دختر زن (خنثی)</p> | <p>حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ... أُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ اللَّائِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّائِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ</p> |
| <p>حرمت زن شوهردار مگر زن کافری که در جنگ اسیر و برده شدند (قابل بحث)</p> | <p>وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ</p> |
| <p>حکم ازدواج موقت و پرداخت مهریه (مثبت)</p> | <p>فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَاتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ فَرِيضَةً</p> |
| <p>عدالت شرط اختیار زن دوم و سوم و چهارم (مثبت)</p> | <p>وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرِبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَذْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا</p> |
| <p>سفارش الهی به میانجی گری میان زن و شوهر، در صورت ترس از وقوع دشمنی و جدایی میان آنان (مثبت)</p> | <p>وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوقِفِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا</p> |
| <p>حکم ارث دختران و زنان (قابل بحث منفی)</p> | <p>وَصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ</p> |
| <p>حکم ارث زنان دارای فرزند</p> | <p>وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ</p> |

| | |
|--|---|
| <p>وبدون فرزند(مثبت)</p> | <p>إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمْنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَاللَّهِ...</p> |
| <p>حکم ارث زنان از پدر و مادر و خویشاوندان (مثبت)</p> | <p>وَاللِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا</p> |
| <p>برخورداری زن از حق و حقوق مضاعف (مثبت)</p> | <p>وَاللِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبْنَ</p> |
| <p>حکم پراختن مهریه زنان (مثبت)</p> | <p>أَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا</p> |
| <p>رعایت حجاب در برخورد با زنان پیامبر ونفی ازدواج با زنان پیامبر بعد از رحلت حضرت(خنثی)</p> | <p>إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَفُلُوبِهِنَّ وَ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا رَسُولَ اللَّهِ وَ لَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا</p> |
| <p>حکم برخورد با نامحرم (مثبت)</p> | <p>قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ بَعْضُنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ</p> |
| <p>حفظ عفت وپوشاندن زینت ها در برابر نامحرم (مثبت)</p> | <p>وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا</p> |
| <p>وجوب حجاب وپوشش(مثبت)</p> | <p>وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى</p> |

| | |
|--|---|
| | <p>جُيُوبِهِنَّ</p> <p>سَكِنُونَهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تَضَارُّوهُنَّ لَتَضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَاتُّوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فَسْتَزْعِمْ لَهُ أُخْرَى</p> |
| <p>احکام طلاق رجعی و بیان وظایف مردان در برابر زنان در این گونه موارد (مثبت)</p> | <p>يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا</p> |
| <p>تساوی حد سرقت زن و مرد (مثبت)</p> | <p>وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ</p> |

۳،۲. گزاره‌های منبیه و ارزش گذاری آنها

| | |
|--------------------------------------|---|
| <p>ارزش گذاری</p> | <p>گزاره های منبیه</p> |
| <p>عدم کتمان بارداری (مثبت)</p> | <p>وَلَا يَجِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ</p> |
| <p>نهی از اخذ مهریه از زن (مثبت)</p> | <p>وَلَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا</p> |

| | |
|--|--|
| | <p>أَتَيْنُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُعِيْمَا حُدُودَ اللَّهِ</p> |
| <p>کم گذاشتن مهریه در صورت عدم رعایت وظایف همسری (مثبت)</p> | <p>إِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُعِيْمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا</p> |
| <p>ضرر نرسیدن به مادر بخاطر بچه (مثبت)</p> | <p>لَا تَضَارَّ وَالِدَهُ بَوْلِدِهَا</p> |
| <p>کم کردن مدت شیر با توافق طرفین بلامانع است (مثبت)</p> | <p>فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا</p> |
| <p>پرداخت مهریه در طلاق بائن (غیرمدخوله) (مثبت)</p> | <p>لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدَرَهُ وَعَلَى الْمُقْتَرِ قَدَرَهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ</p> |
| <p>حکم ازدواج با زن مشرکه وارزش گذاشتن به زن مومن (مثبت)</p> | <p>وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ وَأَمَّا الْمُؤْمِنَةُ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ</p> |
| <p>شاهد گرفتن زنان در معاملات (مثبت)</p> | <p>فان لم يكونا رجلين فرجلين وامراتان ممن ترضون من الشهدان تضل احدهما الاخرى اذا ما دعوا</p> |
| <p>نفی اکراه و تحت فشار قراردادن زن والزام به رفتار شایسته بازنان (مثبت)</p> | <p>يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتَبُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَلَا تَعْضَلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْنُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُنَّ شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا</p> |
| <p>نفی اجبار واکراه زنان باعفت به زنا (مثبت)</p> | <p>وَلَا تَكْرِهُوا فَتِيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِيَبْتِغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ</p> |

| | الدُّنْيَا |
|--|--|
| نفی سخنان تحریک آمیز از جانب زنان (منفی) | يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِن تَقِيَّتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا |
| استثنائات حجاب و پوشش (مثبت) | وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِمَوْلَاتِهِنَّ أَوْ... |

۲.۴. ارزش گذاری مفاهیم صریح

| ارزش گذاری | مفاهیم صریح |
|-----------------|------------------|
| مثبت | معروف |
| مثبت | امساک |
| (مثبت) | لباس |
| (مثبت) | حرت |
| (مثبت) | عدالت |
| مثبت | فَعِظُوهُنَّ |
| مثبت | أَهْجُرُوهُنَّ |
| قابل بحث (منفی) | وَأَضْرِبُوهُنَّ |
| مثبت | المُحْصَنَاتِ |
| مثبت | المُؤْمِنَاتِ |
| مثبت | عفو و مغفرت |

| | |
|----------------|------|
| معاشرت معروف | مثبت |
| صلح | مثبت |
| يَغُضُّضْنَ | مثبت |
| يَحْفَظْنَ | مثبت |
| لِيَصْرِيْنَ | مثبت |
| لَا يُبْدِيْنَ | مثبت |
| زَانِيَةً | منفی |
| الْخَبِيثَاتُ | منفی |
| الطَّيِّبَاتُ | مثبت |
| الْمُسْلِمَاتِ | مثبت |
| المومنات | مثبت |
| القانتات | مثبت |
| الصادقات | مثبت |
| الصابرات | مثبت |
| الخاشعات | مثبت |
| المتصدقات | مثبت |
| الصَّائِمَاتِ | مثبت |
| الْحَافِظَاتِ | مثبت |
| الذاکرات | مثبت |
| مُحْسِنَاتِ | مثبت |

۵,۲. ارزش گذاری مفاهیم همنشین

| | |
|--|---------------|
| ارزش گذاری | مفاهیم همنشین |
| گذشت در کمتر از در حق سوگند در عدم زناشویی (مثبت) | فَأَوْ |
| رفتار نیک (مثبت) | احسان |

| | |
|--|---|
| خیر | جایگاه زن مومن (مثبت) |
| نصیب | سهام (مثبت) |
| صَّالِحَاتُ | مثبت |
| حَافِظَاتُ | مثبت |
| قَاتِنَاتُ | قابل بحث (مثبت) |
| مُسَافِحَاتُ | رفیق گیر وزنا کار (مثبت) |
| فَاحِشَةٌ | زناکار (منفی مثبت) |
| عدالت | |
| متخذان اخدان | دوست های پنهانی (منفی) |
| کره | نفی ناپسند داشتن واکراه کردن زن (مثبت) |
| عضل | نفی تحت فشار گذاشتن (مثبت) (|
| فَاحِشَةٌ مُبِينَةٌ | منفی |
| الْبِغَاءِ | نفی اکراه برزناکاری (مثبت) |
| أَقْتِنِي | مثبت |
| اسْجُدِي | مثبت |
| ارْكَعِي | مثبت |
| اسْتَحْيَاءِ | مثبت |
| فَأَمْتَحِنُوهُنَّ | منفی |
| يُبَايِعَنَّكَ | بیعت (مثبت) |
| لَا يَسْرِقَنَّ | مثبت |
| لَا يَزْنِينَ | مثبت |
| وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ | مثبت |
| وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ | مثبت |
| وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ | مثبت |
| فَخَاتَنَاهُمَا | منفی |

| | |
|-----------------|---|
| تَخَضَّعْنَ | خضوع در صحبت و تحریک آمیز بودن آن (منفی) |
| الْمُنَافِقَاتِ | منفی |
| الْمُسْرِكَاتِ | مثبت |

۳. تحلیل و بررسی مفاهیم صریح وهمنشین منفی (شبکه واژگان)

۱،۳. (مفهوم ضرب)

وَ اضْرِبُوهُنَّ فَإِنَّ أَطْعَمَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا: آنان را بزنید؛ پس اگر شما را اطاعت کردند دیگربر آنها هیچ راهی برای سرزنش مجوید، که خدا والای بزرگ است. (نساء: ۳۴)

۱،۱،۳. معانی ضرب در لغت

ریشه «ضرب» که در مجموع ۵۸ مرتبه در قرآن کریم بکار رفته از جمله واژه‌های پیچیده در زبان عربی است که به زعم برخی از قدیمی‌ترین کتب لغت‌نویسان عرب برای جمیع اعمال بکار می‌رود.

ضرب در لغت به معنای زدن، مسافرت، شتاب در حرکت، وصف و بیان، اعراض و رویگردانی، غلبه و فرستادن، مقرر کردن مالیات، ممانعت و به‌هم‌زدن کار دیگری آمده است.

اضربوا از ریشه ضرب در معانی متعددی آمده است: ضرب یک مفعولی به معنای زدن است؛ هنگامی که جسمی به جسم دیگرزده می‌شود، کلمه ضرب بر آن اطلاق می‌شود؛ لذا خداوند به موسی می‌فرماید: اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ بِمَحْكَمِي عَصَايْت رَابِه سَنَگ بَزَن (فراهیدی، ۱۴۰۸: ۳۰). اما یک ضرب به معنای ذکر کردن است که دومفعولی به حساب می‌آید؛ به مانند این که خداوند می‌فرماید ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً: و باز خدا برای مؤمنان (آسیه) زن فرعون را مَثَل آورد (تحریم ۱/۱۱). (زمخشری، ۱۴۰۷: ص ۳۷۳). اما یک ضرب داریم که با فی استعمال می‌شود و گفته می‌شود ضربتم فی الارض؛ یعنی پاهایتان رابه زمین زدید، و به معنای مسافرت است؛ یعنی در زمین درحال مسافرت هستید. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۴۵) (معنای دیگری هم درباره ضرب وجود دارد؛ مثلاً در آیه وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ حُرْف بَاء، الصاق

است؛ یعنی این خمر را به سرشان بچسبانند. این باء که بر سر مفعول به فعل متعدی درمی آید، الصاق معنی می دهد. حال که در آیه مورد بحث واژه ضرب بدون کلیه این شرایط ذکر شده است، معنای زدن دارد و برخی از معانی ضرب به سبب حروفی است که ضرب با آنها متعدی شده است؛ همانند کلمه «عن» در جمله‌ی «ضربت عن الامر» که به معنای اعراض است یا «علی» در جمله «ضربت علیه خراجاً» که تعیین مقرری و مالیات است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۳) جمله «ضرب علی آذانهم» که به معنای غلبه خواب است. اصل در معنای ضرب، زدن است و بقیه معانی استعاره‌ای از آن است. (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۳۹۷)

۲،۱،۳. معانی ضرب در قرآن

ضرب در قرآن در چند معنا بکار رفته است :

الف- معنای زدن : فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى (بقره: ۷۳). سپس گفتیم قسمتی از گاو را به مقتول بزنید. خداوند این گونه مردگان را زنده می کند.

ب- سفر: در چهار آیه از قرآن کریم کلمه ضرب به معنای سفر آمده است. یکی از این آیات بیانگر مسافرت جهادی است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا» (نساء: ۳۴) ای کسانی که ایمان آورده اید، هنگامی که در راه خدا گام می زنید (و به سفر جهادی می روید) تحقیق کنید و برای اینکه سرمایه ناپایدار دنیا به دست آورید، به کسی که اظهار صلح و اسلام می کند نگوئید مسلمان نیستی.

ج- رها کردن: ضرب گاهی با کلمه‌ی «عن» متعدی می شود که در این صورت به معنای اعراض است، قرآن کریم می فرماید: «أَفَنَضْرِبُ عَنْكُمُ الذِّكْرَ صَفْحًا أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ» آیا به [صِرف] اینکه شما قومی منحرفید [باید] قرآن را از شما باز داریم؟». (زخرف: ۵) طبرسی می نویسد: «ضربت عنه و اضربت عنه» به معنای ترک و بازداشتن از اوست و معنای «أَفَنَضْرِبُ عَنْكُمُ الذِّكْرَ» این است که آیا ما این قرآن را از شما بازمی گیریم به دلیل

اینکه قومی اسرافکارید. (طبرسی، ۱۳۶۰: ۶۰-۶۱) مؤلف کشف نیز همین معنا را برگزیده است. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۶۲۲).

د- وصیف و بیان: در آیات متعددی فعل ضرب همراه با کلمه «مثلاً» آمده است که سیاق آنها دلالت می‌کند مقصود توصیف و بیان مثل‌های روشنگر است، همانند: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ: آیا ندیدی خدا چگونه مثل زده: سخنی پاک که مانند درختی پاک است (ابراهیم: ۲۴)

ه- الزام و مقرر گشتن: ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلِيلَةُ: و [مُهِر] بَيْنُوای بر آنان زده شد. (آل عمران: ۱۱۲)

۳،۱،۳. معنای ضرب در دیدگاه مفسران و روایات

الف - دیدگاه مفسران

۱. زدن بدون کسر و جرح: در تفسیر علی بن ابراهیم قمی ذیل آیه شریفه آمده است: «و ذلك إن نشزت المرأة عن فراش زوجها قال زوجها اتقى الله و ارجعى إلى فراشك فهذه الموعظة، فإن أطاعته فسيب ذلك و إلا سبها و هو الهجر فإن رجعت إلى فراشها فذلك إلا ضربها ضربا غير مبرح». منظور از غیر مبرح با تشدید و کسر راء زدن است که به جرح و کسر منجر نشود. (قمی، ۱۳۹۳: ۸۹)

۲. زدن با مسواک: در تفسیر تبیان شیخ طوسی آمده است: «و أما الضرب فانه غير مبرح بلا خلاف. قال أبو جعفر (ع): هو بالسواك». (شیخ طوسی، بی تا: ۱۵۰)

۳. زدن با رعایت حال ترتیبی: علامه طباطبائی در تفسیر المیزان چنین آورده است: «و الأمور الثلاثة أعنى ما يدل عليه قوله: «فَعِظُوهُنَّ وَ اهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَ اضْرِبُوهُنَّ» و إن ذكرت معا و عطف بعضها على بعض بالواو فهى أمور مترتبة تدريجية: فالموعظة، فإن لم تنجح فالهجرة، فإن لم تنفع فالضرب، و يدل على كون المراد بها التدرج فيها أنها بحسب الطبع وسائل للزجر مختلفه أخذة من الضعف إلى الشدة بحسب الترتيب المأخوذ فى الكلام، فالترتيب مفهوم من السياق دون الواو». (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۹۸)

۴. زدن بدون ضرر و مشقت: سیوطی در درالمنثور بعد از نقل آیه شریفه، حدیثی را از پیامبر گرامی اسلام نقل می‌کند که حضرت فرمود: «ضربا غیر و لسان العرب غیر مبرح را چنین معنا می‌کند: «ای غیر شاق» یعنی: زدن نباید سخت و طاقت فرسا باشد و موجب ضرری در زن شود. (سیوطی، ۱۴۱۴: ۱۳۴)

۵. ضرب تادیبی: محقق سبزواری می‌نویسد: مراد از ضرب، ضرب تادیبی است؛ نباید سخت باشد و باعث کبودی شود و نباید با شلاق و چوب او را بزند و بعضی از اصحاب گفته‌اند نباید به صورت و لگن و شکم بزند، بلکه باید جاهای سخت بدن را - آن هم مقتصر - بزند. سر آن که گفته می‌شود به شکم و یا جاهای حساس بدن و لو مقتصرا نباید ضربه بزند، برای این است که در صورت ایجاد ضرر برای زن و باعث تلف شدن اعضای از بدن زن، باید دیه بدهد و یا قصاص شود. (محقق سبزواری، بی تا: ۱۸۹)

۶. زدن بدون افساد: فاضل هندی در کشف اللثام می‌نویسد: اگر با زدن، چیزی از اعضای بدن زن تلف شود، ضامن است؛ چون در این صورت از مشروع خارج شده است؛ زیرا آنچه شارع فرمود برای این است که زن اصلاح شود در حالی که ضرب شدید موجب افساد است. (فاضل هندی، ۱۴۰۵: ۱۱۰)

۷. ضرب خفیف و تادیبی: شیخ محمد جواد مغنیه در تفسیر کاشف می‌گوید: «و أباح للزوج إذا تمردت علیه زوجته من غیر حق ان يعظها، فإن هی قبلت، و الا هجرها فی الفراش فان هی قبلت و إلا ضربها ضربا خفیفا للزجر و التادیب، لا للشفی و الانتقام .. هذا الی ان الأمر بالوعظ، ثم بالهجر، ثم بالضرب هو أمر للاباحه و الترخیص، لا للوجوب و الإلزام، فقد اتفق الفقهاء جمیعا علی ان ترک الضرب أولى، و ان الذی یصبر علی أذى الزوجه و لا یضربها خیر و أفضل عند الله ممن یضربها، كما اتفقوا علی انه كلما حصل الغرض بالطریق الأخف وجب الاكتفاء به، و حرم الأشد». (مغنیه، ۱۴۲۴: ۶۸)

مغنیه از آیه همان معنی زدن را فهمیده اما اضافه کرده که این کار واجب نیست و می‌تواند راه‌های سهل‌تر را پیش بگیرد. همانگونه که میدانیم شیوه اخلاقی قرآن در مورد مجازات‌ها و تنبیهات عفو و بخشش است. چنانکه در آیه قصاص با اینکه آنرا حق انسان قرار داده می‌فرماید:

«... فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَدَاءُ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ رَحْمَةٌ فَمَنْ أَعْتَدَى بِغَدَاةٍ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ. سوره بقره: آیه (۱۷۸)

۸. ضرب تادیبی عاطفی بدون آسیب و تحقیر: سید قطب در تفسیر فی ظلال القرآن می گوید: «و اضربوهن» .. و استصحاب المعانی السابقة كلها و استصحاب الهدف من هذه الإجراءات كلها يمنع أن يكون هذا الضرب تعذيباً للانتقام و التشفی. و يمنع أن يكون إهانةً للإذلال و التحقیر. و يمنع أن يكون أيضاً للقسر و الإرغام على معيشة لا ترضاهن .. و يحدد أن يكون ضرب تادیب، مصحوب بعاطفة المؤدب المربی كما يزاوله الأب مع أبنائه و كما يزاوله المربی مع تلميذه. (سید قطب، ۱۴۰۸: ۱۴۳)

۹. زدن به شرط بازگشت: محمد عبده از علمای اهل سنت مشروع بودن کتک زدن زنان را امری ناپسند از منظر عقل و فطرت نمی داند، زمانی که خانواده به خاطر سرپیچی او رو به تباهی گذاشته است؛ البته اگر بازگشتن از نافرمانی با زدن قابل اصلاح باشد. (رشید رضا، ۱۴۱۴: ۱۸۶)

۱۰. خشم بدون زدن: ابن عربی به نقل از عطا در تفسیر آیه تصریح دارد: عطا اصل تنبیه بدنی را رد کرده است و معتقد است مرد پس از امر و نهی زن او را نمی زند بلکه بر او خشم می گیرد و این گونه با او برخورد می کند. (ابن عربی، بی تا: ۵۳۶).

۱۱. تنبیه عامل آخر: عاملی بر این باور است: تنبیه بدنی برای آخرین علاج مجاز شمرده شده و فرموده پیغمبر با زشتی سوء رفتار با زن و زدن اوزیاد است. (عاملی، ۱۴۰۳: ۳۹۵).

۱۲. واکنش منجر به برقراری آرامش میان زوجین: برخی معتقدند واژه «ضرب» در قرآن به معنای زدن نیست. معنای این واژه در لغت نامه های کهن، کتک زدن نبوده و معادل «انجام دادن» یا «انجام هر عملی» کاربرد داشته است و به نظر میرسد در قرآن به معنای واکنشی به برقراری آرامش میان زوجین باشد. (شاهرودی، ۱۳۹۹: ۱۳۸)

۱۳. واکنش عملی غیر شاق: برخی معتقدند ضرب به معنای «واکنش عملی غیر شاق» است و از مصادیق آن سخت گیری در خوراک و پوشاک و اعراض است، همان گونه که پیامبر(ص) از همسرانش دوری گزید اما آنان را هرگز مورد ضرب و شتم قرار نداد. (محمدی، ۱۴۰۱: ۴۷).

ب- روایات

الف- از پیامبر (ص) نقل شده که می فرماید: تعجب می کنم از مردی که همسرش را کتک می زند در صورتی که خودش در کتک خوردن سزاوارتر از همسرش می باشد. ای مردم! زنانان را با چوب نزنید، زیرا قصاص دارد و لکن اضربوهن بالجوع والعری: بلکه با گرسنگی و تهیه نکردن پوشاک با آنان برخورد کنید و آنان را تحت فشار قرار دهید. (نوری، ۱۴۰۰: ۵۵۱)

در روایت اضربوهن به معنای تنبیه جسمانی استفاده نشده است.

ب- از پیامبر (ص) نقل شده که می فرماید: هر مردی که به صورت همسرش سیلی بزند، خدا به فرشته مأمور دوزخ (مالک) دستور می دهد که در دوزخ هفتاد سیلی بر صورتش بزند. و هر مردی که دستش را بر موهای زن مسلمانی بگذارد (برای اذیت، موی سرش را بگیرد) در دوزخ دستش با میخ های آتشین کوبیده می شود. (همان، ص ۵۵۰)

ج- از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که می فرماید: آیا یکی از شما همسرش را می زند سپس او را در آغوش می گیرد؟ (حر عاملی، ۱۳۸۶: ۱۱۹)

در روایات بر این عدم ضرب فیزیکی تاکید دارد بنابراین در مواردی که شوهر حقی بر همسرش ندارد، شرعاً و قانوناً و اخلاقاً مجاز نیست او را به کاری مجبور سازد و در صورت تخلف به تنبیه و کتک اقدام نماید.

۲،۳. نتایج تحلیل مفهوم ضرب در لغت، تفسیر و روایات

بر اساس مفهوم لغوی ضرب و دیدگاه مفسران و روایات به دست می آید:

الف- معنای ضرب از واژه ها و مفاهیم اختلافی است که برخی آن را به مفهوم ظاهری آن یعنی زدن گرفته البته با در نظر گرفتن شرایط زیر:

۱. مراد از ضرب، زدن بی قید و شرط نیست. در روایت درباره حد و چگونگی زدن آمده است: «... والضرب بالسواک و شبهه ضرباً رقیقاً؛ زدن باید با وسایلی مانند مسواک و امثال آن باشد؛ آن هم با مدارا و ملایمت. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۸). حدیث یاد شده به خوبی نشان می دهد که «ضرب»، باید در پایین ترین حد ممکن باشد و نباید اندک آسیبی بر بدن وارد کند. وسیله ای که در این روایت به آن اشاره شده، چوبی بسیار نازک، مانند مسواک است.

۲. شیوه زدن نیز باید ملایم و خفیف باشد؛ به طوری که حتی رنگ پوست، اندک تغییری نکند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۴۹ - ۳۵۱). همچنین قبل از انجام مراحل قبلی، نیز شخص مجاز به اقدام مرحله بعد نیست و باید مراتب و مراحل مذکور به ترتیب اجرا شوند

۳. دستور در آیه ارشادی و یک توصیه می باشد نه یک تکلیف الزامی. در تفسیر کاشف آمده است: هرگاه زن بدون این که ذی حق باشد، از انجام وظایف همسری خودداری نمود، زوج می تواند او را موعظه کند و چنان چه نپذیرفت، در بسترا ز او دوری کند و چنان چه نپذیرفت، او را بزند؛ البته زنی که بسیار خفیف بوده و برای تأدیب زن باشد، نه برای انتقام از او... در ادامه می افزاید که این امر به ضرب، امر و جوبی نبوده و حتی فقها متفق اند که ترک ضرب اولاست و... (مغنیه، ۱۴۲۴: ۱۴۲).

۴. دستور فوق، جنبه موقت و گذرا دارد و نباید پیوسته باشد؛ زیرا به دنبال این عمل، دو واکنش احتمال می رود؛ یکی آن که زن به حقوق مرد وفادار شود که در این صورت، قرآن می فرماید: فَإِنْ أَطَعْتُمْكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِمْ سَبِيلاً؛ اگر به اطاعت درآمدند، بر آنان ستم روا مدارید؛ یعنی در صورت تسلیم شدن زن در برابر حقوقی که بر آن پیمان بسته، دیگر برخورد با وی، ظلم و تجاوز است. واکنش احتمالی دیگر، آن است که او همچنان سرسختی نشان دهد و کانون خانواده را گرفتار تزلزل و بی ثباتی کند که در این حالت در آیه بعد می فرماید: «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْتَغُوا حَكْمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكْمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا» (نساء: ۳۵)؛ «اگر از جدایی و شکاف میان آن دو (همسر) بیم داشته باشید، یک داور از خانواده شوهر و یک داور از خانواده زن انتخاب کنید تا به کار آنان رسیدگی کنند. اگر این دو داور، تصمیم به اصلاح داشته باشند، خداوند به توافق و سازش آنها با یکدیگر کمک می کند؛ زیرا خداوند، دانا و آگاه است و از نیات همه خبر دارد».

۵. هدف از ضرب تادیب همراه با ملاحظت و محبت و اصلاح است نه انتقام و اجبار. در کتاب تفسیری فی ظلال القرآن آمده است: باتوجه به سیاق آیه، ایشان نتیجه می گیرند که ضرب نباید برای انتقام و اذیت زن باشد و نیز نباید همراه با هانت و تحقیر زن باشد و نیز نباید برای اجبار و اکراه

و خفیف کردن زن باشد، بر زندگی که اونسبت به آن رضایت ندارد و این ضرب محدود شده است به ضربی که برای تأدیب باشد و همراه با عاطفه و محبتی که مری نسبت به متربی دارد یا پدر نسبت به فرزندان (سید قطب، ۱۴۰۸: ۱۴۶). ارتکاب خلاف (نشوز) توسط زن، رعایت ترتیب میان موعظه، قهر و زدن، زدن به قصد اصلاح نه انتقام، (نجفی، ۱۴۰۷: ۳۰۶) اکتفا به حداقل (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۷۲) و اجتناب از زدن به گونه‌ای که موجب دیه خون‌ریزی، کبودی یا شکستگی بدن شود، (مفید، ۱۴۰۳: ۵۱۸) از جمله شرایطی است که برای زدن زن لحاظ کرده‌اند.

۶. در واقع مراد اغلب فقها از ضرب، زدن است که خیلی شدید نبوده و با هدف اذیت و آزار زن نباشد و بانوعی عاطفه همراه باشد؛ نظیر زدن برخی والدین فرزندان را. البته در مقابل این دیدگاه، برخی نیز معتقدند: خطاب در «وَاللَّاتِ يَتَخَفُونَ» با محکمه است؛ چنان که در آیه بعد می‌فرماید: فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا وَچون خطاب با حاکم باشد، حق او است و در شأن او است که زن را نصیحت کند تا از همسرش اطاعت نماید و چنان چه تمکین نکرد، به مرد دستور دهد که از او در بستر کناره گیرد تا شاید این بی‌اعتنایی سبب به خود آمدن زن شود، و اگر از این راه توفیقی حاصل نشد، محکمه حق دارد دستور دهد زن را برای عدم تمکین بزند، و زدن حق شوهر نیست. (مه‌ریزی، ۱۳۸۴: ۱۱) البته به نظرمی رسد با توجه به دو جمله پیش از عبارت «فاضربوهن» در خصوص «وعظ» و «هجر»، این دیدگاه تناسبی با سیاق جمله ندارد؛ زیرا امر به کناره‌گیری در بستر برای محکمه معنادار است و از سوی دیگر این که در این حد از برخورد نیز به محکمه کشانده شود چه بسا به صلاح خانواده و زندگی مشترک نباشد.

ب- برخی دیگر از مفهوم ظاهری ضرب عدول کرده و معانی دیگری برای آن در نظر گرفتند از جمله: گرسنگی و تهیه نکردن پوشاک، واکنش عملی غیر شاق، واکنشی به برقراری آرامش میان زوجین و خشم.

ج- ماحصل دیدگاه‌های مفسران و روایات از مفهوم ضرب کاملاً متفاوت از برداشتی است که عموم یا شبهه‌کنندگان به آیه دارند زیرا معنای «ضرب» در مجموع «زدن» نیست و بیشتر جنبه روحی و روانی تنبیه مد نظر است، نه جنبه بدنی آن، زیرا که بر فرض زدن با چوب نرم مسواک، عُرف به هیچ وجه، این امر را زدن به معنای امروزی تلقی نمی‌کند.

۴. الزانیه

الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ : به هر زن زناکار و مرد زناکاری صد تازیانه بزنید، (نور: ۲) احکام زنا بر اساس شرایط افراد متفاوت می‌شود، در این آیه فقط به یک صورت اشاره شده که اگر مرد یا زن مجردی زنا کند، صد تازیانه می‌خورد، ولی اگر کسی با داشتن همسر و دسترسی به او، مرتکب زنا شود، رجم و سنگسار می‌گردد. (طیب، ۱۳۸۶: ۴۸۷)

۵. الخبیثات

الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ: زنان پلید برای مردان پلیدند، (نور: ۲۶)
آیه در صدد بیان یک سنت طبیعی در جهان آفرینش می‌باشد که تشریح نیز با آن هماهنگ است. (مکارم ۱۳۵۳: ۲۸۷)

۶. مسافحات

فَأَنكِحُوهُنَّ بِأَدْنَىٰ أَهْلِهِنَّ وَأَتُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ الْمُحْصَنَاتِ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ : پس آنان را با اجازه خانواده‌شان به همسری [خود] درآورید و مهرشان را به طور پسندیده به آنان بدهید [به شرط آنکه] پاکدامن باشند نه زناکار، و دوست‌گیران پنهانی نباشند. (نساء: ۲۵)

مسافحات: زنان زنا کننده. سفاح: زنا. مسافح. و مسافحه مرد و زن زنا کننده: رفیقهای که از روی شهوت رفیق گرفته شوند. مفرد آن خدن (بر وزن حسر) است (قرشی، ۱۳۷۷: ۸۹)

این آیه، شرایط ازدواج با کنیزان را بیان می‌کند، دو شرط در انتخاب کنیزان به عنوان همسر را مطرح می‌کند یکی پاکدامن باشد و دیگری کنیزی باشد که اهل دوست پنهانی نباشد.

۷. خانتاهما

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا: خدا برای کسانی که کفر ورزیده‌اند، آن نوح و آن لوط را مثل آورده هر دو در نکاح دو بنده از بندگان شایسته ما بودند و به آنها خیانت کردند (تحریم: ۱۰).

این آیه، دو زن را به عنوان نمونه اعلای کفر معرفی کرده است که هر دو، در خاندان رسالت زندگی می‌کردند و همسر دو پیامبر الهی بودند، اما با مخالفان آنان هم رأی و هم‌دست بودند. منظور از خیانت همسر حضرت نوح و لوط خبر چینی و همراهی با دشمنان پیامبران بودند. (مکارم، ۱۳۵۳: ۲۲۹).

۸. بحث و نتیجه گیری:

توجه به معانی و تطور معنای ضرب در آیه نشوز بیانگر این است که در تفاسیر، کتب لغت و قرآن کریم لفظ ضرب در معانی متفاوتی استعمال شده برخی از «ضرب» زدن ظاهری و فیزیکی را البته مقید به شروطی برداشت کرده و برخی مفهوم دیگری با رد معنای فیزیکی ضرب و با عدول از معنای ظاهری معنایی متناسب با حنبه روحی و روانی زن را در نظر گرفته اند. آنچه درباره برخورد خشن و ادبیات سخت شارع مقدس در برخورد با زنان در قرآن کریم آمده است، با آنچه در انتقادات و برخی تحلیل‌های موجود تبیین گردیده و اعمال می‌شود، منطبق نیست، بلکه مطلبی است بسیار دقیق و منطقی که در روابط اجتماعی توسط به قوه قهریه و نیز به کارگیری ادبیات لسانی سخت گاهی اجتناب ناپذیر است و لازم به ذکر است که اسلام مبدع چنین اصلی نیست بلکه نظام اسلامی در مقام مشروعیت بخشیدن به یک امر طبیعی و درونی بشری باشد و فلسفه تشریح آن محدود نمودن آن بوده است.

به دیگر سخن از آنجاکه توسط به قوه قهریه به تناسب شریط و اقتضاء زمان امری طبیعی و ناگزیر بوده و افراط در این موضوع محتمل می‌باشد لذا، اسلام ضمن صحنه گذاشتن برای این اصل طبیعی، آنرا تعدیل نموده و تحت نظام تشریحی به عنوان قانون وضع نموده است تا قابل تعریف و تبیین باشد.

با توجه به تحلیل کمی و براساس داده‌های موجود از آیات اعم از گزاره‌های خبری، امریه و منهییه و نیز مفاهیم صریح و هم‌نشین و ارزش‌گذاری مطابق جدول ۱ تا ۵ به دست می‌آید: در گزاره‌های خبری ۸۳ درصد بصورت مثبت و ۲ درصد به صورت منفی و ۴ درصد رویکرد صفر و بدون ارزش‌گذاری، در گزاره‌های امریه ۸۸ درصد بصورت مثبت و ۱۳ درصد به صورت منفی و ۱۰ درصد رویکرد

صفر و بدون ارزش گذاری، در گزارهای منهی ۹۱ درصد بصورت مثبت و ۹ درصد به صورت منفی، در مفاهیم صریح ۹۴ درصد بصورت مثبت و ۶ درصد به صورت منفی و در مفاهیم هم‌نشین ۷۹ درصد بصورت مثبت و ۱۱ درصد به بحث پرداخته اند که نتیجه می‌گیریم از نظر کمی نوع ادبیات قرآن غالباً مثبت بر خلاف ادعای مطرح شده است.

با توجه به تحلیل کیفی بدست می‌آید نوع رفتار پروردگار در قرآن نسبت به زنان با رویکرد اثباتی و همراه با تاکید بر حقوق زنان توأم با عقلانیت، حفظ شخصیت زن، و کاملاً روان شناسانه، رحمت و رافت نسبت به آنها می‌باشد و درجایی هم که بصورت سلبی و منفی رفتار نموده به خاطر تعدیل مجازاتی است که افراد به خاطر عدم رعایت قوانین در دیگر نظامات غیر دینی بشری هم معمول و یک هنجار می‌باشد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. ابن عربی، محمد بن عبدالله، (بی تا)، احکام القرآن، بیروت، دارالفکر .
۳. ابن فارس، أحمد بن فارس، (۱۳۹۹)، معجم مقاییس اللغة، بیروت، دارالفکر.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت، دارصادر.
۵. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۶)، زن در آیینه جلال و جمال، قم، اسراء.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۳۸۶)، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل ابیت (ع) لاحیاء التراث.
۷. خمینی، روح الله، (۱۳۷۹)، تحریر الوسیله، قم، دار العلم.
۸. رشید رضا، محمد، (۱۴۱۴)، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، بیروت، دارالمعرفه.
۹. رئیس الساداتی، ریحانه سادات، (۱۳۹۲)، خشونت نسبت به زنان از منظر تفاسیر قرآنی، تهران، نشریه مطالعات زن و خانواده.
۱۰. زمخسری، محمود، (۱۴۰۷)، کشاف، بیروت، دار الکتب العربیه.
۱۱. سبزواری، محمد باقر بن محمد، (بی تا)، کفایة الاحکام، اصفهان، مدرسه صدر مهدوی .
۱۲. سیدقطب، ابراهیم حسین، (۱۴۰۸)، فی ظلال القرآن، بیروت، دارالشروق.
۱۳. سیوطی، جلال الدین، (۱۴۱۴)، در المنثور، بیروت، دارالفکر.

۱۴. شاهرودی، (۱۳۹۹)، واکاوی تطور معنایی ضرب با مشتقات آن با تاکید بر قرآن و روایات، تهران، همایش ملی پژوهشی در علوم اسلامی.
۱۵. شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۰۶)، مسالک الافهام، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۱۶. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، ترجمه المیزان، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه قم،
۱۷. طبرسی، محمد، (۱۳۶۰)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، فراهانی.
۱۸. طوسی، محمدحسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی،
۱۹. طیب، عبد الحسین، (۱۳۸۶)، اطیب البیان، قم، مؤسسه سبئین.
۲۰. عاملی، علی بن الحسین، (۱۴۰۳)، قم، الوجیز فی تفسیر القرآن.
۲۱. فاضل هندی، بهاء الدین محمد، (۱۴۰۵)، کشف اللثام، قم، کتابخانه مرعشی نجفی رحمه الله.
۲۲. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰)، التفسیر الکبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۳. فراهیدی، خلیل ابن محمد، (۱۴۰۸)، العین، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۲۴. قرشی، سیدعلی اکبر، (۱۳۷۷)، احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، تهران.
۲۵. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۹۳)، تفسیر قمی، قم، دار الکتاب.
۲۶. گلایری، علی، (۱۳۸۸)، اسلام و مسئله ضرب زن، تهران، مجله رواق اندیشه.
۲۷. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳)، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۸. محمدی، عباس، (۱۴۰۱)، پا به پای هم، تهران، انتشارات معارف.
۲۹. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۰. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۸)، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا.
۳۱. مطهری، مرتضی، (۱۳۹۶)، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، انتشارات صدرا.
۳۲. مغنیه، محمدجواد، (۱۴۲۴)، الکاشف، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۳۳. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (۱۴۱۳)، المقنعه، قم، کنگره جهانی شیخ مفید.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۵۳)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۵. مهریزی، مهدی، (۱۳۸۴)، تطور دیدگاه‌ها در تفسیر آیه ۳۴ سوره نساء، تهران، مجله تحقیقات .
۳۶. نجفی، محمدحسن، (۱۴۱۷)، جواهر الکلام، قم، موسسه نشر اسلامی.
۳۷. نوری، حسین بن محمدتقی، (۱۴۰۰)، مستدرک الوسائل، قم، موسسه آل‌البتیت (ع) لایحیاء التراث

 [10.22034/rjcis.2025.11823](https://doi.org/10.22034/rjcis.2025.11823)